



Res. article

Pronunciation of Reflexive Pronouns in the Standard Spoken Persian and Bakhtiari Dialect: A Comparative Study

Bashir Jam^{1✉}

1- Assistant Professor, Department of English, Faculty of Letters and Humanities, Shahrekord University, Iran.

Received: 2019/21/02

Accepted: 2019/10/06

Abstract

Persian singular and plural reflexive/ emphatic pronouns are formed by adding enclitic pronouns to the word “خود” (self). This research analyzes and compares the pronunciation of reflexive pronouns in the standard spoken Persian and Bakhtiari dialect using Optimality Theory (Prince and Smolensky, 1993/2004). It aimed at introducing (un)shared phonological processes and constraints that determine the pronunciation of singular and plural reflexive pronouns. In so doing, it came up with inclusive rankings of constraints to explain all different pronunciations in both versions. The results of this research indicate that pre-nasal raising in plural reflexive/ emphatic pronouns is the only shared phonological process in the standard spoken Persian and Bakhtiari dialect. Furthermore, the principal reason for different pronunciation of reflexive pronouns in Bakhtiari dialect is deletion of /d/ in “خود” which in turn feeds the deletion of enclitic vowel in order to resolve hiatus. Also, this paper discusses why the consonant of the enclitic /-aS/ is pronounced either [S] or [s] in different Bakhtiari speaking areas. As for Bakhtiari dialect, the analyses are rather diachronic because changes in the pronunciation of its reflexive pronouns have occurred throughout its history and today they have no other pronunciations.

Keywords: Persian reflexive pronouns, Bakhtiari dialect, pre-nasal raising, alveolarization, phoneme deletion.

Citation: Jam, B. (2019). Pronunciation of Reflexive Pronouns in the Standard Spoken Persian and Bakhtiari Dialect: A Comparative Study. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 7 (26), 33-52. (In Persian)





بررسی تطبیقی تلفظ ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری

بشیر جم ✉

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۰

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲

چکیده

ضمیرهای انعکاسی یا تأکیدی مفرد و جمع در زبان فارسی از پیوند تکواژ خود با ضمیرهای پیوسته که جزء پی‌بست‌ها هستند، ساخته می‌شوند. پژوهش حاضر تلفظ ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری را به‌مثابه دو گونه زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی (پرینس و اسمولنسکی، ۱۹۹۳/۲۰۰۴) به تحلیل تطبیقی می‌کند. هدف نوشتار پیش رو معرفی فرایندها و محدودیت‌های مشترک و متفاوت در تلفظ‌های گوناگون ضمیرهای انعکاسی و تحلیل علت آن‌ها و دست‌یابی به یک رتبه‌بندی دربرگیرنده نهایی از محدودیت‌های مختلف در هر یک از این دو گونه بوده است. رتبه‌بندی‌های نهایی تبیین‌کننده همه تلفظ‌های ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری هستند. نتایج این پژوهش نشان داده است که افزایش فرایند پیش‌خیشومی در ضمیرهای انعکاسی جمع تنها فرایند مشترک بین فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری است؛ نیز علت اصلی تلفظ متفاوت ضمیرهای انعکاسی در گویش بختیاری حذف همخوان /d/ و واژه خود است که زمینه‌چین فرایند حذف واکه پی‌بست برای رفع التقای واکه‌ها می‌شود؛ همچنین، دلیل تلفظ همخوان پی‌بست /-a/ به [ʃ] یا [s] در مناطق مختلف بختیاری نشین تبیین شده است. تحلیل‌های مربوط به گویش بختیاری کمابیش در زمانی است؛ زیرا تغییرات تلفظی ضمیرهای انعکاسی در تاریخ این گویش رخ داده‌اند و امروزه این ضمیرها تلفظ دیگری ندارند.

کلیدواژه‌ها: ضمیرهای انعکاسی فارسی، گویش بختیاری، افزایش پیش‌خیشومی، لثوی‌شدگی، حذف واج.

استناد: جم، بشیر (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی تلفظ ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و

گویش‌های غرب ایران، ۷ (۲۶)، ۳۳-۵۲.

۱- مقدمه

نوشتار پیش رو در دو بخش اصلی تلفظ ضمیرهای انعکاسی یا تأکیدی را در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری به مثابه دوگونه زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی (پرینس و اسمولنسکی^۱، ۱۹۹۳/۲۰۰۴) تحلیل و مقایسه می‌کند.

بختیاری از گویش‌های جنوب باختری ایران است که در منطقه‌ای در باختر و جنوب باختری ایران به آن سخن می‌گویند. این منطقه از غرب، به رود دز و شهرستان‌های دزفول و شوشتر در استان خوزستان، از شمال به الیگودرز و دورود در استان لرستان، از شرق به شهرکرد و بروجن در استان چهارمحال و بختیاری و از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد محدود می‌شود. بختیاری یکی از سه گونه اصلی گویش لری است که بین لری لرستانی در شمال و لری کهگیلویه و بویراحمد در جنوب قرار گرفته است. این گویش و دیگر گونه‌های گویش لری بازمانده پارسی میانه است که خود بازمانده پارسی باستان است (طاهری، ۱۳۹۱). براساس این، بختیاری از گویش‌های کهن زبان پارسی است.

پیرامون ویژگی‌های گوناگون زبان‌شناختی گویش بختیاری پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. از این میان می‌توان به آثار زیر اشاره کرد؛ خسروی (۱۳۶۸) و طاهری (۱۳۸۹) این گویش را به‌طور کلی توصیف کرده‌اند. طاهری (۱۳۸۵)، رضایی و امانی بآبادی (۱۳۹۲) و رضایی و شجاعی (۱۳۹۶) نیز به بحث‌های دستوری پرداخته‌اند. دو واژه‌نامه مددی (۱۳۷۵) و سرلک (۱۳۸۳) نیز تاکنون به چاپ رسیده‌اند. آنونبی^۲ و طاهری اردلی (۲۰۱۷) هشتاد واژه بختیاری را در ۲۹ منطقه بختیاری‌نشین مقایسه کرده‌اند؛ همچنین، چندین پایان‌نامه کارشناسی ارشد از جمله ذوالفقاری (۱۳۷۶)، غلامزاده (۱۳۷۹)، عباسی سورشجانی (۱۳۹۰) و سلطانی (۱۳۹۱) پیرامون گویش بختیاری نوشته شده‌اند؛ اما در سه اثر مهم، یعنی لوریمر^۳ (۱۹۲۲)، ویندفور^۴ (۱۹۸۸) و آنونبی و اسدی (۲۰۱۴) به ویژگی‌های واج‌شناختی پرداخته شده است. اورکی و دیگران (۱۳۹۶) به فرایند حذف همخوان در چارچوب نظریه بهینگی و فاضلی و موحدنساج (۱۳۹۶) بدون چارچوب نظری خاصی فرایندهای واجی در گویش بختیاری را با فارسی دری بررسی کرده‌اند.

گفتنی است که براساس جست‌وجوی نگارنده نوشتار پیش رو، تاکنون پژوهشی پیرامون تلفظ

1. A. Prince & P. Smolensky
2. E. Anonby
3. D. L. R. Lorimer
4. G. Windfuhr

ضمیرهای انعکاسی در زبان فارسی و گویش بختیاری انجام نشده است؛ به هر حال از آنجاکه این ضمیرها از پیوند تکواژ خود با پی بست‌های ضمیری تشکیل شده‌اند، نزدیک‌ترین موضوع به مقاله پیش رو چهار پژوهش زیر هستند که پیرامون تلفظ واژه‌بست‌های زبان فارسی انجام شده‌اند؛ بی‌جن‌خان و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۰) ویژگی‌های آوایی و الگوی تکیه زیرویمی در گروه واژه‌بست و کلمه واجی را مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که گروه واژه‌بست با کلمه واجی از نظر نوایی متفاوت است؛ زیرا الگوی تکیه زیرویمی *H بر روی هجای آخر کلمه واجی و در گروه واژه‌بست، بر روی هجاهای پیش از واژه‌بست قرار می‌گیرد؛ نیز بی‌جن‌خان و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۱) سطح گروه واژه‌بست در سلسله‌مراتب نوایی نظام واج‌شناختی زبان فارسی امروز را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که گروه واژه‌بست را باید سطح نوایی معتبری در سلسله‌مراتب نوایی زبان فارسی دانست.

بهرامی خورشید و کامبوزیا کرد زعفرانلو (۱۳۹۳) نیز چگونگی اتصال پی‌بست‌های ضمیری به اسامی مختوم به واکه در زبان فارسی را بررسی کرده و برآنند که نظام پی‌بست‌های ضمیری در زبان فارسی، نظامی سه‌عضوی متشکل از اول‌شخص، دوم‌شخص و سوم‌شخص مفرد است که تنها از یک همخوان مفرد تشکیل شده‌اند و صورت جمع متناظر آن‌ها از افزودن پسوند جمع ساز '-an' حاصل می‌شود. سرانجام جم (۱۳۹۴ ب) به تأثیر فرایندهای واجی بر تلفظ‌های گوناگون فعل پی‌بستی /-ast/ در بافت‌های مختلف در گونه محاوره‌ای معیار پرداخته و چگونگی تبدیل این پی‌بست به سه صورت [as]، [s] و [e] را در چارچوب نظریه بهینگی تحلیل کرده است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر درمورد گویش بختیاری، چگونگی تعیین بازنمایی واجی ضمیرهای انعکاسی آن است؛ براساس این، هدف پژوهش حاضر پاسخ به سه پرسش است: آیا ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری بازنمایی واجی (درون‌داد) مشترکی دارند؟ چه فرایندها و محدودیت‌های واجی مشترک یا متفاوتی تلفظ ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری را تعیین می‌کنند؟ نظریه بهینگی تلفظ ضمیرهای انعکاسی سوم‌شخص مفرد و جمع با یکی از دو همخوان [ʃ] یا [s] در گویش بختیاری را چگونه تبیین می‌کند؟

۱-۱- روش پژوهش

نوشتار پیش رو به روش تحلیلی، تلفظ ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری را بررسی کرده است. داده‌های این پژوهش شامل شش ضمیر انعکاسی مفرد و جمع در فارسی معیار و شش ضمیر انعکاسی مفرد و جمع در گویش بختیاری است. گردآوری و تعیین تلفظ رسمی و گفتاری

معیار ضمیرهای انعکاسی براساس شمّ زبانی و اندک تجربه نگارنده در حوزه واج‌شناسی انجام شده است. شیوه گردآوری ضمیرهای انعکاسی در گویش بختیاری نیز از راه پرسش از گویشوران بومی این مناطق شامل استادان، دانشجویان و کارمندان دانشگاه شهرکرد واقع در مرکز استان چهارمحال و بختیاری صورت پذیرفته است. پس از معرفی ضمیرهای انعکاسی مفرد و جمع در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری، فرایندهای واجی تأثیرگذار در تلفظ این ضمیرها و چگونگی تلفظ آن‌ها در چارچوب نظریه بهینگی تحلیل شده است؛ بدین ترتیب که در آغاز، محدودیت‌هایی که تعاملشان با یکدیگر موجب رخداد یا عدم رخداد این فرایندهای واجی شده معرفی و رتبه‌بندی شده‌اند. به هدف دست‌یابی به رتبه‌بندی‌های نهایی، رتبه‌بندی‌های مربوط به هر گونه به تدریج تکمیل شده تا در نهایت بتوانند تبیین‌کننده همه تلفظ‌های ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و در گویش بختیاری باشند.

گفتنی است که به فراخور بحث، تلفیقی از تحلیل‌های درزمانی و هم‌زمانی در پژوهش حاضر به کار رفته است. در ارتباط با گویش بختیاری، تحلیل‌ها درزمانی است؛ زیرا تغییرات تلفظی ضمیرهای انعکاسی از جمله افزایش پیش‌خیشومی در تاریخ این گویش رخ داده‌اند و امروزه این ضمیرها تلفظ دیگری ندارند؛ اما پیرامون فارسی معیار باید گفت از این لحاظ که رخداد افزایش پیش‌خیشومی طبق صادقی (۱۳۳۳) مربوط به دوره تاریخی خاصی بوده و ادامه نیافته است، فرایندی درزمانی به‌شمار می‌رود؛ از سوی دیگر، از این حیث که امروزه این فرایند در گونه بسیار رسمی رخ نمی‌دهد و همچنین رخداد یا عدم رخداد آن در گونه غیر رسمی (گفتاری) به صورت اجباری یا اختیاری (گونگونی آزاد) است فرایندی هم‌زمانی نیز به‌شمار می‌رود.^۱ منظور از فارسی گفتاری معیار، آن گونه زبانی است که در گفتار شهروندان تهرانی یا در رسانه‌ها به کار می‌رود.

۲- تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به ترتیب شامل دو بخش ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و ضمیرهای انعکاسی در گویش بختیاری است.

۲-۱- ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار

ضمیرهای انعکاسی یا تأکیدی زبان فارسی که شامل خودم، خودت، خودش، خودمان، خودتان و

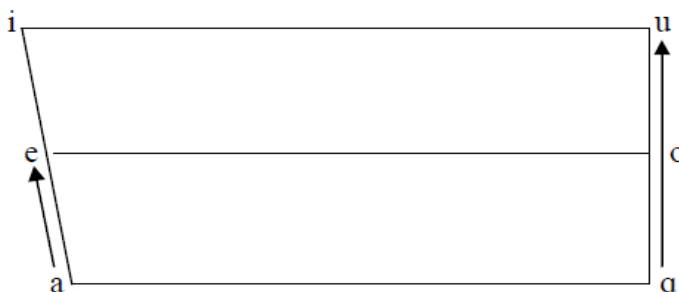
۱- همه موارد رخداد اجباری و اختیاری و همچنین عدم رخداد این فرایند در جم (۱۳۹۵) تحلیل شده است.

خودشان هستند به ترتیب از پیوند تکواژ خود با ضمیرهای پیوسته /-aman/، /-at/، /-af/، /-eman/، /-etan/ و /-efan/ ساخته می‌شوند. این ضمیرها براساس کلباسی (۱۳۷۱: ۳۲) و شقاقی (۱۳۸۷: ۷۴) جزء پی‌بست‌ها هستند. براساس تعریف شقاقی (۱۳۸۷: ۷۴) واژه‌بست تکواژ وابسته دستوری فاقد تکیه‌ای است که در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایه خود یک واژه واجی می‌سازد. واژه واجی، گروه یا ساختی نحوی است که از نظر آوایی همانند یک واژه تلفظ می‌شود، اما از نظر صرفی، نحوی و معنایی یک واژه به‌شمار نمی‌رود. واژه‌بست‌ها همچون وندها به میزبانی نیاز دارند تا به آن بچسبند؛ ولی برخلاف وندها جزئی از ساختمان واژه محسوب نمی‌شوند. با مقایسه بازنمایی واجی ضمیرهای انعکاسی با گونه گفتاری آن‌ها واقعیت‌های زیر آشکار می‌شود:

جدول (۱). ضمیرهای انعکاسی گونه گفتاری معیار

/χod+ am/	→	[χodam]	بدون تغییر تلفظ
/χod+ at/	→	[χodet]	تبدیل /e/ به [a]
/χod+ af/	→	[χodef]	تبدیل /e/ به [a]
/χod+ eman/	→	[χodemun]	تبدیل /a/ به [u]
/χod+ etan/	→	[χodetun]	تبدیل /a/ به [u]
/χod+ efan/	→	[χodefun]	تبدیل /a/ به [u]

همان گونه که پیداست به جز ضمیر انعکاسی اول شخص مفرد، در سایر ضمیرها فرایند *افراشتگی* رخ داده است؛ بدین صورت که در ضمیرهای انعکاسی دوم شخص و سوم شخص مفرد واکه افتاده /a/ با یک درجه *افراشتگی* به واکه نیم‌افراشته [e]، و در ضمیرهای جمع طی فرایند *افراشتگی* پیش‌خیشومی واکه افتاده /a/ در بافت پیش از همخوان خیشومی /n/ به واکه *افراشته* [u] تبدیل شده است. *افراشتگی* فرایندی است که طی آن ارتفاع واکه افزایش یافته و به واکه *افراشته* یا *افراشته‌تر* تبدیل می‌شود (جم، ۱۳۹۴ پ). این دو فرایند بر روی دوزنقه واکه‌های فارسی نشان داده شده‌اند:



شکل (۱). دوزنقه واکه‌های زبان فارسی

رخداد فرایند «افراشتگی» در دو زیر بخش ضمیرهای انعکاسی مفرد و ضمیرهای انعکاسی جمع تحلیل شده است.

۲-۱-۱- ضمیرهای انعکاسی مفرد

به نظر می‌رسد که تبدیل واژه /a/ به [e] در ضمیرهای انعکاسی دوم شخص و سوم شخص در مقایسه با واژه [e] در ضمیرهای انعکاسی جمع رخ داده است. عامل تبدیل واژه /a/ به واژه [e] در دو پی بست دوم شخص و سوم شخص محدودیت نشان‌داری $[a]_{enc}^*$ است. این محدودیت خاص زبانی، وجود واژه [a] را در پی بست مجاز نمی‌شمارد.^۱ از آنجاکه واژه افتاده /a/ به واژه نیم‌افراشته [e] تبدیل می‌شود، محدودیت پایایی IDENT [low] که تبدیل مشخصه [+افتاده] به [-افتاده] را در برون‌داد نسبت به صورت متناظر آن در درون‌داد جریمه می‌کند، با محدودیت نشان‌داری $[a]_{enc}^*$ در تعارض است. تسلط محدودیت نشان‌داری $[a]_{enc}^*$ بر محدودیت پایایی IDENT [low] ضامن رخداد این فرایند افراشتگی است. گفتنی است از آنجاکه پی بست‌های جمع واژه [a] ندارند، این رتبه‌بندی بر آن‌ها بی‌تأثیر است. اکنون این پرسش پیش می‌آید که چرا واژه /a/ در دو ضمیر انعکاسی دوم شخص و سوم شخص مفرد به واژه [e] تبدیل می‌شود؛ ولی در ضمیر انعکاسی اول شخص مفرد این تبدیل صورت نمی‌گیرد. به دیگر سخن، چرا خودت و خودتس به صورت خودت و خودتس تلفظ می‌شوند؛ ولی خودم به صورت *خودم تلفظ نمی‌شود. در پاسخ باید گفت که دلیل آن وجود محدودیت پایایی $IDENT[low]_{IP}^2$ است که گونه خاص تر محدودیت IDENT [low] است. براساس نظریه بهینگی، تسلط این محدودیت بر محدودیت نشان‌داری $[a]_{enc}^*$ در رتبه‌بندی (۱) مانع افراشتگی واژه در ضمیر انعکاسی اول شخص می‌شود:

$$(1) IDENT [low]_{IP} \gg [a]_{enc}^* \gg IDENT [low]$$

عدم رخداد فرایند افراشتگی در ضمیر انعکاسی اول شخص مفرد در تابلو (۱) تحلیل شده است:

۱- در نظریه بهینگی افزون بر محدودیت‌های جهانی، محدودیت‌های خاص زبانی نیز به کار می‌روند که معمولاً شامل محدودیت‌های خاص تکوازی هستند و از پیدایش این نظریه رایج بوده‌اند. مانند محدودیت خاص تکوازی (Edgemost (*um; L*)) (پرینس و اسمولنسکی (۲۰۰۴: ۴۲) در زبان تاگالوگ. این محدودیت جهانی نیست زیرا تکواژ /-um/ در هر زبانی وجود ندارد (دو لسی، ۲۰۱۱: ۱۵۰۹).

۲- اندیس lp کوتاه‌نگاشت 1st person است.

تابلو (۱). عدم رخداد فرایند افزایشی در ضمیر انعکاسی اول شخص مفرد

Input: /χod+am/	IDENT[low] _{1P}	*[a] _{enc}	IDENT[low]
a. [χodam]		*	
b. [χodem]	*!		*

همان گونه که در تابلو (۱) آشکار است، در گزینه ناپایای (b) واکه /a/ به واکه [e] تبدیل شده است؛ پس این گزینه محدودیت پایایی بالامرتبه IDENT[low]_{1P} که افزایشی واکه در ضمیر انعکاسی اول شخص را منع می‌کند، نقض کرده است؛ بنابراین، گزینه پایای (a) که این محدودیت را رعایت کرده، به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده شده است. رخداد این فرایند افزایشی در ضمیرهای انعکاسی دوم شخص و سوم شخص مفرد در تابلوهای به هم پیوسته (۲a) و (۲b) نیز تحلیل شده است.

تابلو (۲). تابلوهای به هم پیوسته (۲a) و (۲b). رخداد فرایند افزایشی در ضمیرهای انعکاسی دوم شخص و سوم شخص مفرد

Input: /χod+at/	IDENT[low] _{1P}	*[a] _{enc}	IDENT[low]
a.i [χodet]			*
a.ii [χodat]		*!	
Input: /χod+aʃ/			
b.i [χodeʃ]			*
b.ii [χodaʃ]		*!	

همان گونه که در هر دو تابلوی به هم پیوسته (۲a) و (۲b) پیداست، همه گزینه‌ها محدودیت پایایی بالامرتبه IDENT[low]_{1P} را رعایت کرده‌اند چون این محدودیت شامل ضمیرهای انعکاسی دوم شخص و سوم شخص نمی‌شود؛ سپس، گزینه‌های پایای (a.ii) و (b.ii) محدودیت نشان‌داری *[a]_{enc} را نقض کرده‌اند؛ بنابراین، گزینه‌های ناپایای (a.i) و (b.i) که این محدودیت را رعایت کرده‌اند، به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده شده‌اند.

۲-۱-۲- ضمیرهای انعکاسی جمع

همان گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، در ضمیرهای انعکاسی جمع فرایند واجی افزایشی پیش‌خیشومی رخ داده که از رایج‌ترین فرایندهای واجی زبان فارسی است و منحصر به ضمیرهای انعکاسی نیست. این فرایند مهم زبان فارسی که بدون ارائه نام خاصی فقط با عنوان 'تبدیل آن' و 'آم' به 'اون' و 'اوم' در صادقی (۱۳۶۳) مطرح شده بود در جم (۱۳۹۵) با نام علمی افزایشی پیش‌خیشومی نام‌گذاری شد. جم (۱۳۹۵) رخداد اجباری، اختیاری و عدم رخداد استثنائی این فرایند را در چارچوب نظریه بهینگی

(پرینس و اسمولنسکی، ۲۰۰۴/۱۹۹۳) و رویکردهای زیرشاخه آن تحلیل کرده است؛ همچنین، میلر^۱ (۲۰۱۱) از پژوهش‌گران غیر ایرانی (آمریکایی) است که به این فرایند پرداخته است.

محدودیت نشان‌داری *a[N] (جم، ۱۳۹۵) عامل رخداد فرایند تغییر واکه /a/ در بافت پیش از همخوان‌های خیشومی است. این محدودیت توالی واکه [a] و همخوان خیشومی را مجاز نمی‌شمارد. همان محدودیت پایایی IDENT [low] در برابر این محدودیت نشان‌داری نیز قرار دارد. رتبه‌بندی IDENT[low] >> *a[N] (جم، ۱۳۹۵) برای تبیین رخداد اجباری فرایند /افراشتگی/ پیش‌خیشومی در تمام بافت‌ها از جمله ضمیرهای انعکاسی جمع کفایت می‌کند؛ ولی از آنجاکه هدف پژوهش پیش‌رو ارائه یک رتبه‌بندی دربرگیرنده است، محدودیت نشان‌داری *a[N] به رتبه‌بندی (۱) افزوده شده است؛ بنابراین، رتبه‌بندی نهایی (۲) تبیین‌کننده تلفظ سبک گفتاری هر شش ضمیر انعکاسی است.

(2) *a[N] >> IDENT [low]_{IP} >> *a_{enc} >> IDENT [low]

گفتنی است که محدودیت پایایی IDENT [low]_{IP} شامل هر دو ضمیر انعکاسی اول‌شخص مفرد و اول‌شخص جمع می‌شود؛ زیرا در صورت و در تعریف این محدودیت، فقط عبارت /اول‌شخص (IP) قید شده و مفرد یا جمع بودن ضمیر اول‌شخص قید نشده است؛ بنابراین، محدودیت نشان‌داری *a[N] باید بر این محدودیت پایایی مسلط باشد تا مانع گزینش اشتباهی گزینه خودمان در رقابت با گزینه درست خودمون بشود.

رخداد فرایند /افراشتگی/ پیش‌خیشومی در ضمیرهای انعکاسی جمع در تابلوهای به‌هم‌پیوسته (۳a)، (۳b) و (۳c) تحلیل شده است.

تابلو (۳). تابلوهای به‌هم‌پیوسته (۳a)، (۳b) و (۳c): رخداد فرایند /افراشتگی/ پیش‌خیشومی در ضمیرهای انعکاسی جمع

Input: /χod+eman/	*a[N]	IDENT [low] _{IP}	*a _{enc}	IDENT [low]
a.i ☞ [χodemun]		*		*
a.ii [χodemān]	*!			
Input: /χod+etan/				
b.i ☞ [χodetun]				*
b.ii [χodetan]	*!			
Input: /χod+efan/				
c.i ☞ [χodefun]				*
c.ii [χodefan]	*!			

همان گونه که در سه تابلو به هم پیوسته (۳a)، (۳b) و (۳c) پیداست، هرسه گزینه پایای (a.ii)، (b.ii) و (c.ii) به علت داشتن توالی واکه [a] و همخوان خیشومی [n] محدودیت *a[N] را نقض کرده‌اند؛ بنابراین، هرسه گزینه ناپایای (a.i)، (b.i) و (c.i) که این توالی را ندارند، این محدودیت را رعایت کرده و به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده شده‌اند؛ البته همان‌طور که آشکار است، گزینه (a.i) محدودیت پایایی IDENT[low]_{IP} را رعایت نکرده است؛ زیرا طبق براساس این محدودیت افزایشی واکه در ضمیر انعکاسی اول شخص مفرد یا جمع مجاز نیست.

۲-۲- ضمیرهای انعکاسی در گویش بختیاری

ضمیرهای انعکاسی یا تأکیدی در گویش بختیاری به ترتیب شامل خوم، خوت، خوش یا خوس، خومون، خوتون و خوشون یا خوسون هستند. تلفظ فارسی گفتاری معیار ضمیرهای انعکاسی و بازنمایی واجی آن‌ها همراه با تلفظ بختیاری این ضمیرها در جدول (۲) نشان داده شده است:

جدول (۲). مقایسه تلفظ ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری

گویش بختیاری	فارسی گفتاری معیار	بازنمایی واجی	ضمیر انعکاسی
[χom]	[χodam]	/χodam/	خودم
[χot]	[χodet]	/χodat/	خودت
[χoʃ; χos]	[χodeʃ]	/χodaʃ/	خودش
[χomun]	[χodemun]	/χodemam/	خودمان
[χotun]	[χodetun]	/χodetan/	خودتان
[χoʃun; χosun]	[χodeʃun]	/χodeʃam/	خودشان

چگونگی تعیین بازنمایی واجی داده‌ها یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل لهجه‌ها و گویش‌های زبان‌ها است. در علم واج‌شناسی هنگامی می‌توان از رخداد یک فرایند واجی سخن به میان آورد که انگیزه و دلیل کافی برای تعیین بازنمایی واجی آن وجود داشته باشد (جم، ۱۳۹۴ پ: نوزده). براساس این، بازنمایی واجی فارسی گفتاری معیار لزوماً برابر با تلفظ زیرساختی واژه‌ها در لهجه‌ها و گویش‌های دیگر زبان فارسی نیست؛ مگر اینکه انگیزه و دلیل کافی برای آن فراهم باشد. خوشبختانه در مورد بازنمایی واجی ضمیرهای انعکاسی در گویش بختیاری این مشکل وجود ندارد؛ زیرا با توجه به دلایل زیر آشکار می‌شود که این ضمیرها در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری بازنمایی واجی (درون‌داد) مشترکی دارند:

با مقایسه تلفظ بختیاری ضمیرهای انعکاسی با بازنمایی‌های واجی در جدول (۲) آشکار می‌شود که در

تلفظ بختیاری، همخوان /d/ی تکواژ خود و واکه آغازین پی‌بست وجود ندارند. حال اگر در بازنمایی واجی همخوان /d/ را از تکواژ خود حذف کنیم، آنگاه التقای واکه /o/ی این تکواژ با واکه آغازین پی‌بست مشاهده می‌شود. با توجه به این واقعیت که التقای واکه‌ها در زبان فارسی مجاز نیست، ناگزیر واکه آغازین پی‌بست به مثابه راهکار رفع التقای واکه‌ها (جم، ۱۳۹۴ الف) حذف می‌شود؛ بدین ترتیب، تلفظ حاصل شده همان تلفظ بختیاری است؛ برای نمونه، مراحل اشتقاق [χot] از /χod+ at/ در زیر نشان داده شده است:

/χod+at/	بازنمایی واجی
χoat	التقای واکه‌ها با حذف همخوان /d/
χot	رفع التقای واکه‌ها با حذف واکه پی‌بست
[χot]	بازنمایی آوایی

بنابراین، علت اصلی تفاوت تلفظ بختیاری ضمیرهای انعکاسی با بازنمایی واجی، حذف همخوان /d/ی تکواژ خود است که ضمن ایجاد التقای واکه‌ها، زمینه‌چین حذف واکه پی‌بست شده است. گفتنی است حذف یا تضعیف همخوان انسدادی /d/ در میان و انتهای واژه‌ها، یکی از ویژگی‌های بارز گویش بختیاری است.

دلیل دوم، رخداد فرایند افراشتگی پیش‌خیشومی به‌طور مشترک در ضمیرهای انعکاسی جمع در گویش بختیاری و فارسی گفتاری معیار است.

دلیل سوم، به تلفظ ضمیر انعکاسی سوم‌شخص مفرد در این گویش مربوط می‌شود؛ همخوان /j/ در پی‌بست ضمیری /-aʃ/ در برخی مناطق بختیاری‌نشین به همان صورت کامی [ʃ] و در مناطق دیگر به صورت لثوی [s] تلفظ می‌شود؛ برای نمونه، در آردل، لردگان، کیار، فلارد و گهرو تلفظ [ʃ] و در مسجدسلیمان، فارسان، کوه‌رنگ، چغاخور، دستنا، ده‌چشمه، چلیچه، خان‌میرزای لردگان و دیناران تلفظ [s] رایج است؛ البته در شهرهایی همچون شهرکرد، ایذه و الیگودرز هر دو تلفظ رایج است که به طایفه‌های ایل بختیاری ساکن در این شهرها بستگی دارد. روی هم‌رفته، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تلفظ این پی‌بست ضمیری با همخوان [s] رایج‌تر است و در واقع یکی از ویژگی‌های بارز گویش بختیاری به‌شمار می‌رود.^۱ با توجه به این دوگانگی در تلفظ و نیز با توجه به اینکه این ضمیر براساس فرهنگ فارسی معین (۱۹۹۰: ۱۳۷۱) در پارسی میانه به صورت /-aʃ/ تلفظ می‌شده، مشخص می‌شود که تلفظ

۱- این آمار از راه پرسش از گویشوران بومی این مناطق فراهم شده است.

زیرساختی یا درون داد آن همان صورت /-aʃ/ است. تلفظ ضمیرهای انعکاسی مفرد و جمع در گویش بختیاری در ادامه تحلیل شده است.

۲-۱- ضمیرهای انعکاسی مفرد

عامل حذف همخوان /d/ در ضمیرهای انعکاسی در گویش بختیاری محدودیت نشان‌داری $[d]_{ref}^*$ است که مانع تلفظ این همخوان انسدادی در ضمیرهای انعکاسی می‌شود. محدودیت پایایی MAX(stem) (ولف، ۲۰۰۹) در برابر آن قرار دارد و حذف هر واجی را از پایه جریمه می‌کند؛ همچنین، دلیل مجاز نبودن التقای واکه‌ها، محدودیت نشان‌داری HIATUS* (مک‌کارتی، ۲۰۰۲: ۱۱۶-۱۱۷) است که ضد التقای واکه‌هاست. در ضمیرهای انعکاسی گویش بختیاری این محدودیت از طریق حذف واکهٔ بی‌بست ارضا می‌شود. سرانجام محدودیت کلی‌تر ضد حذف MAX (مک‌کارتی و پرینس، ۱۹۹۵) که حذف هر واجی را در برون‌داد جریمه می‌کند، در برابر HIATUS* قرار دارد. رتبه‌بندی (۳) تبیین‌کنندهٔ تلفظ ضمیرهای انعکاسی مفرد در گویش بختیاری است:

$$(3) * [d]_{ref} \gg * HIATUS \gg MAX(stem) \gg MAX$$

تلفظ ضمیرهای انعکاسی اول‌شخص و دوم‌شخص مفرد در گویش بختیاری در تابلوهای به‌هم پیوسته (a) و (b) تحلیل شده است.

تابلو (c). تابلوهای به‌هم پیوسته (a) و (b): تحلیل تلفظ ضمیرهای انعکاسی اول‌شخص و دوم‌شخص مفرد در گویش بختیاری

Input: /χod+ am/	*[d] _{ref}	*HIATUS	MAX(stem)	MAX
a.i [χom]			*	**
a.ii [χam]			**!	**
a.iii [χo.am]		*!	*	*
a.iv [χodam]	*!			
Input: /χod+ at/				
b.i [χot]			*	**
b.ii [χat]			**!	**
b.iii [χo.at]		*!	*	*
b.iv [χodat]	*!			

۱- اندیس ref کوتاه‌نگاشت reflexive است.

همان‌گونه که در هردو تابلوی به‌هم پیوسته (a) و (b) پیداست، ابتدا گزینه‌های پایای (a.iv) و (b.iv) محدودیت نشان‌داری بالامرته * $[d]_{ref}$ را به‌دلیل داشتن همخوان /d/ نقض کرده و از رقابت کنار رفته‌اند؛ سپس، گزینه‌های (a.iii) و (b.iii) به‌دلیل التقای واکه‌هایشان، محدودیت نشان‌داری *HIATUS را نقض کرده و آن‌ها نیز از رقابت کنار رفته‌اند. سرانجام رقابت دو گزینه (a.i) و (a.ii) در تابلوی (a4) و رقابت دو گزینه (b.i) و (b.ii) در تابلوی (b4) به محدودیت پایایی MAX(stem) کشیده می‌شود. در گزینه‌های (a.ii) و (b.ii) دو واج /o/ و /d/ از پایه / χod / حذف شده‌اند؛ ولی در گزینه‌های (a.i) و (b.i) فقط واج /d/ از پایه / χod / حذف شده است؛ پس گزینه‌های (a.ii) و (b.ii) دوبار و گزینه‌های (a.i) و (b.i) فقط یک‌بار این محدودیت را نقض کرده‌اند؛ بنابراین، گزینه‌های (a.i) و (b.i) که مرتکب تعداد نقض کمتری شده‌اند، به‌مثابه برون‌داد بهینه برگزیده می‌شوند.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، ضمیر انعکاسی سوم‌شخص مفرد در مناطق مختلف بختیاری‌نشین به یکی از دو صورت [$\chi o\int$] یا [χos] تلفظ می‌شود. عامل تبدیل همخوان / \int / به همخوان [s] در این پی‌بست ضمیری، وجود محدودیت نشان‌داری * $[\int]_{enc}$ است. این محدودیت وجود همخوان [\int] را در پی‌بست مجاز نمی‌شمارد. از آنجاکه همخوان کامی / \int / طی فرایند لثوی‌شدگی به همخوان لثوی [s] تبدیل می‌شود، محدودیت پایایی IDENT[*palatal*] که تغییر مشخصه کامی را در برون‌داد نسبت به صورت متناظر آن در درون‌داد جریمه می‌کند، با محدودیت نشان‌داری * $[\int]_{enc}$ در تقابل است. تسلط محدودیت نشان‌داری * $[\int]_{enc}$ بر محدودیت IDENT[*palatal*] در رتبه‌بندی (۴) ضامن رخداد این فرایند لثوی‌شدگی است:

(4) * $[d]_{ref}$ >> *HIATUS >> MAX(stem) >> * $[\int]_{enc}$ >> IDENT[*palatal*] >> MAX

تابلو (۵) علت تبدیل ضمیر انعکاسی سوم‌شخص مفرد / $\chi oda\int$ / به [χos] در بختیاری را تبیین می‌کند:

تابلو (۵). تبدیل ضمیر انعکاسی سوم‌شخص مفرد / $\chi oda\int$ / به [χos]

Input: / $\chi od + a\int$ /	* $[d]_{ref}$	*HIATUS	MAX (stem)	* $[\int]_{enc}$	IDENT [palatal]	MAX
a. $[\chi os]$			*		*	**
b. $[\chi o\int]$			*	*!		**
c. $[\chi as]$			**!		*	**
d. $[\chi a\int]$			**!	*		**
e. $[\chi oas]$		*!	*		*	*
f. $[\chi oa\int]$		*!	*	*		*
g. $[\chi odas]$	*!				*	
h. $[\chi oda\int]$	*!			*		

در تابلو (۵)، ابتدا دو گزینه (g) و (h) محدودیت نشان‌داری بالا مرتبه $[d]_{ref}^*$ را به دلیل داشتن همخوان /d/ نقض کرده و از رقابت کنار رفته‌اند؛ سپس، دو گزینه (e) و (f) به دلیل التقای واکه‌هایشان محدودیت نشان‌داری HIATUS* را نقض کرده و آن‌ها نیز از رقابت کنار رفته‌اند. در مرحله بعد رقابت چهار گزینه (a)، (b)، (c) و (d) به محدودیت پایایی MAX(stem) کشیده می‌شود. در گزینه‌های (c) و (d) دو واج /o/ و /d/ از پایه /χod/ حذف شده‌اند؛ ولی در گزینه‌های (a) و (b) فقط واج /d/ از پایه /χod/ حذف شده است. پس هریک از گزینه‌های (c) و (d) دوبار و هریک از گزینه‌های (a) و (b) فقط یک‌بار این محدودیت را نقض کرده‌اند؛ بنابراین، گزینه‌های (c) و (d) که مرتکب تعداد نقض بیشتری شده‌اند، از رقابت کنار می‌روند و رقابت گزینه‌های (a) و (b) که مرتکب تعداد نقض کمتری شده‌اند، به محدودیت نشان‌داری $[j]_{enc}^*$ کشیده می‌شود.

در این مرحله پایانی گزینه (b) به دلیل داشتن همخوان کامی /j/ این محدودیت را نقض کرده است؛ از این رو، گزینه (a) که این همخوان را دارد به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده شده است؛ اما چرا در گویش برخی مناطق و طوایف ایل بختیاری، همخوان /j/ در ضمیر انعکاسی سوم شخص به همخوان [s] تبدیل نمی‌شود. براساس نظریه بهینگی، علت عدم رخداد این تبدیل این است که در دستور زبان گویش این مناطق محدودیت منع‌کننده وجود همخوان /j/ در پی بست، یعنی $[j]_{enc}^*$ تحت تسلط محدودیت پایایی IDENT[palatal] است. این تسلط در رتبه‌بندی (۵) علت عدم رخداد این فرایند لثوی شدگی است:

$(5) [d]_{ref}^* \gg HIATUS \gg MAX(stem) \gg IDENT[palatal] \gg [j]_{enc}^* \gg MAX$

گفتنی است که اگر قرار بود دو محدودیت $[j]_{enc}^*$ و IDENT[palatal] در رتبه‌بندی نهایی (۲) در مورد فارسی گفتاری معیار هم مطرح شوند، در این رتبه‌بندی نهایی نیز محدودیت نشان‌داری تحت تسلط محدودیت پایایی قرار می‌گرفت.

تابلو (۶) علت تبدیل ضمیر انعکاسی سوم شخص مفرد /χoda/ به [χo] و عدم تبدیل آن به [χos] را در گویش برخی از طوایف یا مناطق بختیاری تبیین می‌کند. در این تابلو رقابت گزینه‌ها تا محدودیت MAX(stem) همانند تابلو (۵) است؛ تا اینکه سرانجام رقابت گزینه‌های (a) و (b) به محدودیت پایایی IDENT[palatal] کشیده می‌شود. در این مرحله، گزینه (b) به دلیل تغییر مشخصه کامی این محدودیت را نقض کرده است؛ از این رو، گزینه (a) که این مشخصه در آن حفظ شده به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده شده است:

تابلو (۶). تبدیل ضمیر انعکاسی سوم شخص مفرد /χodaf/ به [χof] و عدم تبدیل آن به [χos]

Input: /χod+ aʃ/	*[d] _{ref}	*HIATUS	MAX (stem)	IDENT [palatal]	*[ʃ] _{enc}	MAX
a. [χof]			*		*	**
b. [χos]			*	*!		**
c. [χas]			**!	*		**
d. [χaʃ]			**!		*	**
e. [χoas]		*!	*	*		*
f. [χoaʃ]		*!	*		*	*
g. [χodas]	*!			*		
h. [χodaf]	*!				*	

۲-۲-۲- ضمیرهای انعکاسی جمع

در ضمیرهای انعکاسی جمع در گویش بختیاری افزون بر حذف همخوان /d/ی تکواژ خود و واکه آغازین پی‌بست، همچون فارسی گفتاری معیار فرایند اجباری /فراشتگی پیش‌خیشومی رخ می‌دهد. رتبه‌بندی (۶) تبیین‌کننده این فرایندها در ضمیرهای انعکاسی اول شخص و دوم شخص جمع است:

(6) *[d]_{ref} *[a]N >> *HIATUS >> MAX(stem) >> MAX, IDENT[low]

تابلو (۷) علت تبدیل ضمیر انعکاسی اول شخص جمع /χodemān/ به [χomun] را در گویش بختیاری تبیین می‌کند:

تابلو (۷). تبدیل ضمیر انعکاسی اول شخص جمع /χoman/ به [χomun]

Input: /χod+ eman/	*[d] _{ref}	*[a]N	*HIATUS	MAX (stem)	MAX	IDENT [low]
a. [χomun]				*	**	**
b. [χemun]				**!	**	**
c. [χoman]		*!			**	**
d. [χeman]		*!		*	**	**
e. [χoemun]			*!		*	*
f. [χoeman]		*!	*	*	*	*
g. [χodemun]	*!			*		
h. [χodemān]	*!	*		*		

همان‌گونه که در تابلو (۷) پیداست، ابتدا گزینه‌های (g) و (h) محدودیت نشان‌داری بالامرته $*[d]_{ref}$ را به دلیل داشتن همخوان /d/ نقض کرده و از رقابت کنار رفته‌اند؛ سپس، گزینه‌های (c)، (d) و (f) به علت داشتن توالی واکه [a] و همخوان خیشومی [n] محدودیت $*[a]N$ را نقض کرده و آن‌ها نیز از رقابت کنار رفته‌اند. گزینه (e) نیز به دلیل التقای واکه‌هایش محدودیت نشان‌داری $*HIATUS$ را نقض

کرده و از رقابت کنار رفته است. سرانجام رقابت دو گزینه (a) و (b) به محدودیت MAX(stem) کشیده می‌شود. در گزینه (b) دو واج /o/ و /d/ از پایه /χod/ حذف شده‌اند؛ ولی در گزینه (a) فقط واج /d/ از پایه /χod/ حذف شده است؛ پس گزینه (b) دوبار و گزینه (a) فقط یک‌بار این محدودیت را نقض کرده‌اند؛ بنابراین، گزینه (a) که مرتکب تعداد نقض کمتری شده، به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده می‌شود.

تابلو تبیین‌کننده تبدیل ضمیر انعکاسی دوم‌شخص جمع /χodetan/ به [χotun] نیز همانند تابلو (۷) است؛ از این رو، از پرداختن به آن صرف نظر کرده و ضمیر انعکاسی سوم‌شخص جمع تحلیل می‌شود. طبق انتظار، مناطق یا طوایف بختیاری‌ای که ضمیر انعکاسی سوم‌شخص مفرد را به صورت [χos] تلفظ می‌کنند، صورت جمع آن را نیز به صورت [χosun] تلفظ می‌کنند. این تلفظ حاصل رخداد چهار فرایند واجی حذف همخوان /d/، حذف واکه /e/ برای رفع التقای واکه‌ها، لثوی‌شدگی و افزایش پیش‌خیشومی است. رتبه‌بندی (۷) تبیین‌کننده رخداد این تلفظ است:

(7) $*[d]_{ref} * [a]N \gg *HIATUS \gg MAX(stem) \gg *[\j]_{enc} \gg IDENT[palatal] \gg MAX, IDENT[low]$

تابلو (۸) علت تبدیل ضمیر انعکاسی سوم‌شخص جمع /χodeʃan/ به [χosun] را در گویش بختیاری تبیین می‌کند:

تابلو (۸). تبدیل ضمیر انعکاسی سوم‌شخص جمع /χodeʃan/ به [χosun]

Input: /χod+ eʃan/	*[d] _{ref}	*[a]N	*HIATUS	MAX (stem)	*[\j] _{enc}	IDENT [palatal]	MAX	IDENT [low]
a. [χosun]				*		*	**	*
b. [χoʃun]				*	!		**	*
c. [χesun]				**!		*	**	*
d. [χeʃun]				**!	*		**	*
e. [χosan]		!		*		*	**	
f. [χoʃan]		!		*	*		**	
g. [χoesun]			!	*		*	*	*
h. [χoeʃun]			!	*	*		*	*
i. [χodesan]	!	*				*		
j. [χodeʃan]	!	*			*			

همان‌گونه که در تابلو (۸) پیداست، ابتدا گزینه‌های (i) و (j) محدودیت نشان‌داری بالامرته $[d]_{ref}^*$ را به دلیل داشتن همخوان /d/ نقض کرده و از رقابت کنار رفته‌اند؛ سپس، گزینه‌های (e) و (f) به علت داشتن توالی واکه [a] و همخوان خیشومی [n] محدودیت $[a][N]^*$ را نقض کرده و آن‌ها نیز از رقابت کنار رفته‌اند. گزینه‌های (g) و (h) نیز به دلیل التقای واکه‌هایش محدودیت نشان‌داری HIATUS* را نقض کرده و از رقابت کنار رفته‌اند. رقابت گزینه‌های (a)، (b)، (c) و (d) به محدودیت MAX(stem) کشیده می‌شود. در دو گزینه (c) و (d) دو واج /o/ و /d/ از پایه /χod/ حذف شده‌اند. ولی در دو گزینه (a) و (b) فقط واج /d/ از پایه /χod/ حذف شده است؛ پس دو گزینه (c) و (d) دوبار و دو گزینه (a) و (b) فقط یک‌بار این محدودیت را نقض کرده‌اند؛ بنابراین، گزینه‌های (c) و (d) که مرتکب تعداد نقض بیشتری شده‌اند، از رقابت کنار می‌روند و رقابت گزینه‌های (a) و (b) که مرتکب تعداد نقض کمتری شده‌اند، به محدودیت نشان‌داری $[j]_{enc}^*$ کشیده می‌شود. در این مرحله پایانی گزینه (b) به دلیل داشتن همخوان کامی /j/ این محدودیت را نقض کرده است؛ از این رو، گزینه (a) که فاقد این همخوان است، به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده شده است.

همان‌طور که انتظار می‌رود، مناطق یا طوایفی هم که ضمیر انعکاسی سوم‌شخص مفرد را به صورت $[χoʃun]$ تلفظ می‌کنند، صورت جمع آن را نیز به صورت $[χoʃun]$ تلفظ می‌کنند. در این مورد نیز علت عدم رخداد فرایند لثوی شدگی همان تحت تسلط بودن محدودیت نشان‌داری $[j]_{enc}^*$ با محدودیت پایایی IDENT[palatal] در دستور زبان گویش این مناطق است که در رتبه‌بندی (۸) علت عدم رخداد لثوی شدگی را تبیین می‌کند:

(8) $[d]_{ref}^*$, $[a][N]^*$ >> HIATUS* >> MAX(stem) >> IDENT[palatal] >> $[j]_{enc}^*$ >> MAX, IDENT[low]

تابلو (۹) علت تبدیل ضمیر انعکاسی سوم‌شخص جمع /χodeʃan/ به $[χoʃun]$ و عدم تبدیل آن به $[χosun]$ در گویش برخی از طوایف یا مناطق بختیاری را تبیین می‌کند. در این تابلو رقابت گزینه‌ها تا محدودیت MAX(stem) همانند تابلو (۸) است. تا اینکه سرانجام رقابت گزینه‌های (a) و (b) به محدودیت پایایی IDENT[palatal] کشیده می‌شود. در این مرحله گزینه (b) به دلیل تغییر مشخصه کامی این محدودیت را نقض کرده است؛ از این رو، گزینه (a) که این مشخصه در آن حفظ شده، به مثابه برون‌داد بهینه برگزیده شده است:

تابلو (۹). تبدیل ضمیر انعکاسی سوم شخص جمع /χodeʃan/ به [χoʃun] و عدم تبدیل آن به [χosun]

Input: /χod+ eʃan/	*[d] _{ref}	*[ɑ]N	*HIATUS	MAX (stem)	IDENT [palatal]	*[ʃ] _{enc}	MAX	IDENT [low]
a. [χoʃun]				*		*	**	*
b. [χosun]				*	*!		**	*
c. [χesun]				**!	*		**	*
d. [χeʃun]				**!		*	**	*
e. [χosan]		*!		*	*		**	
f. [χoʃan]		*!		*		*	**	
g. [χoesun]			*!	*	*		*	*
h. [χoeʃun]			*!	*		*	*	*
i. [χodesan]	*!	*			*			
j. [χodeʃan]	*!	*				*		

۳- نتیجه گیری

نوشتار پیش رو نخستین پژوهشی است که به تلفظ ضمیرهای انعکاسی در زبان فارسی و گویش بختیاری پرداخته است؛ نیز در پژوهش حاضر رتبه‌بندی‌های نهایی که تبیین‌کننده همه تلفظ‌های ضمیرهای انعکاسی مفرد و جمع در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری باشند، ارائه شده‌اند.

در پاسخ به پرسش نخست در مورد ماهیت بازنمایی زیرساختی یا درون‌داد ضمیرهای انعکاسی در گویش بختیاری، مشخص شد که ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری دارای بازنمایی واجی (درون‌داد) مشترکی هستند؛ زیرا با مقایسه تلفظ ضمیرهای انعکاسی در این دو گونه آشکار شد که علت اصلی تفاوت آن‌ها حذف همخوان /d/ی تکواژ خود در گویش بختیاری است که ضمن ایجاد التقای واکه‌ها زمینه‌چین حذف واکه پی‌بست شده است. رخداد فرایند افزایشی پیش‌خیشومی به‌طور مشترک در ضمیرهای انعکاسی جمع در گویش بختیاری و فارسی گفتاری معیار نیز مشترک بودن بازنمایی زیرساختی در هر دو گونه را تأیید می‌کند؛ همچنین، تلفظ همخوان پی‌بست /-aʃ/ به یکی از دو صورت [ʃ] یا [s] در مناطق مختلف بختیاری‌نشین که در پارسی میانه به صورت /-aʃ/ بوده، مشخص کرد که تلفظ زیرساختی یا درون‌داد آن همان صورت /-aʃ/ است.

در پاسخ به پرسش دوم این پژوهش که چه فرایندها و محدودیت‌های مشترک یا متفاوتی تلفظ

ضمیرهای انعکاسی در فارسی گفتاری معیار و گویش بختیاری را تعیین می‌کنند، مشخص شد که در فارسی گفتاری معیار دو نوع فرایند افراستگی رخ می‌دهد؛ افراستگی پیش‌خیشومی که عامل آن محدودیت نشان‌داری [a[N]* است و افراستگی واکه /a/ پی‌بست و تبدیل آن به [e] در ضمیرهای انعکاسی دوم‌شخص و سوم‌شخص مفرد که در ظاهر در قیاس با واکه [e] پی‌بست در ضمیرهای انعکاسی جمع رخ داده است. دلیل رخ‌ندادن این فرایند در ضمیر انعکاسی اول‌شخص مفرد، تسلط محدودیت پایایی IDENT[low]_{IP} بر محدودیت نشان‌داری [a]_{enc}* است؛ ولی واکه پی‌بست در گویش بختیاری تلفظ نمی‌شود؛ زیرا این واکه در پی حذف همخوان /d/ واژه خود به‌ناچار برای رفع التقای واکه‌ها در تمام ضمیرهای انعکاسی مفرد و جمع حذف می‌شود؛ همچنین، در بیشتر مناطق بختیاری نشین، طی فرایند لثوی‌شدگی همخوان /j/ در پی‌بست‌های ضمیری سوم‌شخص مفرد و جمع به همخوان [s] تبدیل می‌شود. محدودیت‌های مختلفی عامل رخداد هر یک از این فرایندهای واجی هستند.

چگونگی تحلیل نظریه بهینگی برای این دو نوع تلفظ موضوع پرسش سوم پژوهش حاضر بود که علت تلفظ [s] تسلط محدودیت نشان‌داری [j]_{enc}* بر محدودیت IDENT[palata] و علت تلفظ [ʃ] تسلط محدودیت پایایی بر محدودیت نشان‌داری در دستور زبان گویش مناطق مختلف بختیاری نشین است.

منابع

اورکی، غلام‌حسن؛ الخاص ویسی و منصوره شکرآمیز (۱۳۹۶). توصیف و تحلیل حذف همخوان در گویش بختیاری در چارچوب واج‌شناسی بهینگی. *فصلنامه تخصصی ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، ۷ (۳)، ۱-۲۲.

بهرامی خورشید، سحر و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۹۳). اتصال پی‌بست‌های ضمیری به اسامی مختوم به واکه در زبان فارسی: چگونگی اتصال و بازنگری نظام پی‌بست‌های ضمیری. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۰ (۲۰)، ۸۱-۱۰۲.

بی‌جن‌خان، محمود و وحیده ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۰). دیرکرد قلّه هجا در ساخت نوایی واژه‌بست‌های زبان فارسی. *زبان پژوهی*، ۳ (۵)، ۵۱-۹۸.

----- (۱۳۹۱). شواهد واجی برای گروه واژه‌بست در سلسله‌مراتب نوایی زبان فارسی امروز. *زبان و زبان‌شناسی*، ۸ (۱۵)، ۲۷-۴۲.

- جم، بشیر (۱۳۹۴ الف). راه‌کارهای برطرف کردن التقای واکه‌ها در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۷ (۱)، ۷۹-۱۰۰.
- (۱۳۹۴ ب). تبیین تغییر تلفظ فعل پی‌بستی /ast-/ در بافت‌های گوناگون در چارچوب نظریه بهینگی. *پژوهش‌های زبانی*، ۶ (۱)، ۲۱-۴۰.
- (۱۳۹۴ پ). فرهنگ توصیفی فرایندهای واجی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۳۹۵). تحلیل استثناء‌ها و گوناگونی آزاد در فرایند آفراشستگی پیش‌خیشومی در چارچوب نظریه بهینگی. *پژوهش‌های زبانی*، ۷ (۲)، ۱۹-۳۸.
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۶۸). *گویش بختیاری*. اصفهان: نشر غزل.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶). *گویش بختیاری؛ بقا یا زوال*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضایی، والی و مریم امانی ببادی (۱۳۹۲). نمود دستوری در گویش لری بختیاری. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱ (۳)، ۱۳۹-۱۵۷.
- و فرخنده شجاعی (۱۳۹۶). برخی ویژگی‌های رده‌شناختی گویش بختیاری مسجدسلیمان. *پژوهش زبان‌شناسی تطبیقی*، ۷ (۱۳)، ۱۶۷-۱۸۳.
- سرلک، رضا (۱۳۸۳). *واژه‌نامه گویش بختیاری چهارلنگ*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سلطانی، لیلا (۱۳۹۱). *توصیف فعل در گویش لری بختیاری ده تیرانی الیگودرز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور، مرکز تهران جنوب.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۷). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۶۳). تبدیل آن و آم به اون و اوم در فارسی گفتاری و سابقه تاریخی آن. *مجله زبان‌شناسی*، ۱ (۱)، ۵۲-۷۱.
- طاهری، اسفندیار (۱۳۸۵). فعل در گویش بختیاری. *گویش‌شناسی*، ۳ (۱ و ۲)، ۸۶-۱۰۸.
- (۱۳۸۹). *گویش بختیاری کوه‌رنگ*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۹۱). ریشه‌شناسی واژه‌هایی از گویش بختیاری. *ویژه‌نامه فرهنگستان (زبان‌ها و گویش‌های ایرانی)*، دوره جدید (۱)، ۱۱۱-۱۳۷.
- عباسی سورشجانی، ندا (۱۳۹۰). *بررسی زبان‌شناختی گویش بختیاری چهارلنگ*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه پیام‌نور استان تهران.
- غلام‌زاده، اسحاق (۱۳۷۹). *توصیف زبان‌شناختی گویش بختیاری رایج در اینه و حومه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد

زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان.

فاضلی، محمدتقی و عبدالعزیز موحدنساج (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی فرایندهای آوایی و واجی در گویش بختیاری با فارسی دری. *دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات ایلات و عشایر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۷ (۲)، ۲۵-۵۲.

کلباسی، ایران (۱۳۷۱). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).

مددی، ظهراب (۱۳۷۵). *واژه‌نامه گویش بختیاری*. اهواز: نشر آیات.

معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.

References

- Anonby, E. & A. Asadi (2014). *Bakhtiari Studies: Phonology, Text, Lexicon*. Acta Universitatis Upsaliensis.
- Anonby, E. & M. Taheri-Ardali (2017). Linguistic Diversity and Language Contact in Chahar Mahal va Bakhtiari Province, Iran. Paper presented at the 7th International Conference on Iranian Linguistics (ICIL7), Lomonosov Moscow State University and the Institute of Linguistics of the Russian Academy of Sciences, Moscow, 28-30 August.
- de Lacy, P. (2011). Markedness and Faithfulness Constraints. In: M. van Oostendorp, C. J. Ewen, E. Hume, & K. Rice (Ed.), *The Blackwell companion to Phonology*. Vol. 3, Phonological Processes, (pp. 1491-1512). Malden, MA: Blackwell.
- Lorimer, D. L. R. (1922). *The Phonology of the Bakhtiari, Badakhshani, and Madaglashti Dialects of Modern Persian, with Vocabularies*. London: Royal Asiatic Society.
- McCarthy, J. J. & A. Prince (1995). Faithfulness and Reduplicative Identity. In: J. Beckman, L. Walsh Dickey & S. Urbanczyk (Eds.), *University of Massachusetts Occasional Papers in Linguistics 18: Optimality Theory*, (pp. 249-384). Amherst: GLSA.
- McCarthy, J. J. (2002). *A Thematic Guide to Optimality Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Miller, C. (2011). A Holistic Treatment of /ān/ to [un] in Persian. *Proceedings of ICPhS XVII*. Hong Kong, 1386-1389.
- Prince, A. & P. Smolensky (1993/2004). *Optimality Theory: Constraint Interaction in Generative Grammar*, Blackwell.
- Windfuhr, G. (1988). Bakṭiārī tribe: The Bakṭiārī Dialect. *Encyclopædia Iranica*, 3, 5, 553-60. New York: Center for Iranian Studies, Columbia University.
- Wolf, M. (2009). Mutation and Learnability In Optimality Theory. In: A. Schardl, M. Walkow & M. Abdurrahman (Eds.), *Proceedings of the Thirty-Eighth Annual Meeting of the North East Linguistic Society*, 2, 469-482.